

حوزه علمیه تقریب گرای سامرا

ونقش میرزای شیرازی



۴

مطالعات قرآنی و اسلامی
شماره ۲۱ - بهار ۱۳۹۲
سال هشتم

■ بهنام دارابی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه مقارن و حقوق جزای اسلامی دانشگاه مذاهب اسلامی

darabibehnam@ymail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

چکیده

میرزای شیرازی دارای شخصیتی بارز و تقریب‌گرا بوده است که در گفتار و رفتار ایشان نمایان گردید. برحسب نقلها ایشان با نیت تقریب مذاهب از نجف به سامرا، که شهری سنی نشین بود، مهاجرت نمود و حوزه و مکتبی تقریب‌گرا به وجود آورد. علاوه بر شخصیت میرزا، حضور حوزه شیعه در محیط و شهر سنی نشین سامرا آثار نیکویی در زمینه همبستگی بین پیروان مذاهب اسلامی داشته است که حاصل تعامل و زندگی مشترک شیعه و سنی در کنار یکدیگر است و در سبک خاص مکتب سامرا و پرورش یافتگان این مکتب که طلایه‌داران نهضت تقریب در عصر جدیدند به خوبی هویدا است و مدلی دانشی در مورد ایجاد محیطی تقریب‌گرا ارائه می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: میرزای شیرازی، حوزه علمیه سامرا، مکتب سامرا، تقریب‌گرایی.



مقدمه

منقول است که میرزا محمدحسن شیرازی ملقب به «میرزای بزرگ» و «سید مجدد» در جهت و با هدف ایجاد تقریب و همبستگی بین مذاهب اسلامی، حوزه علمیه تشیع را به سامرا که شهری سنی نشین بود، منتقل نمود. خود میرزا شخصیتی وارسته، سیاسی و آشنا با مسائل و مصالح امت مسلمان بود. انتقال حوزه از نجف به سامرا نیز با همین هدف صورت گرفت و نتایج چشمگیری داشت. از جمله نتایج انتقال حوزه به شهری سنی نشین به وجود آمدن سبک جدیدی در حوزه به نام «مکتب سامرا» شد و نیز شاگردانی با روحیه تقریب‌گرا پرورد که همگی از آثار تعامل و همزیستی شیعه و سنی در این شهر است.

این مقاله ابتدا به اختصار به بیان زندگی میرزای شیرازی می‌پردازد و پس از آن، دلایل انتقال حوزه به سامرا را بررسی می‌کند و در نهایت تأثیر تعامل و هم‌گرایی با اهل سنت را در مکتب سامرا و پرورش یافتگان آن مکتب که عموماً دارای شخصیت تقریب‌گرا و تعامل‌گرا می‌باشند، پی می‌گیرد.

زندگی نامه میرزا محمدحسن شیرازی

سید محمدحسن میرزا فرزند سید محمود، معروف به میرزای شیرازی و سید مجدد، از بزرگان و نامداران علمای امامیه و مراجع بزرگ شیعه در بلاد اسلامی بود و به سبب فتوای تاریخی تحریم تنباکو، شهرت جهانی یافت. او در ۱۵ جمادی الاولی سال ۱۲۳۰ق در شیراز متولد شد و در سن چهار سالگی تحت تعلیم دایی‌اش میرزا حسین موسوی قرار گرفت و در سن شش سالگی شروع به تحصیل علوم عربی کرد و پس از آن به فراگیری فقه و اصول مشغول شد و در سن ۱۵ سالگی شرح لمعه تدریس می‌نمود. در ۱۷ سالگی به اصفهان سفر کرد و چند ماهی نزد محمدتقی اصفهانی مؤلف «حاشیه‌المعالم» شاگردی کرد و با رحلت آن استاد، نزد علامه سید حسن بیدآبادی مشهور به «مدرس» شاگردی نمود و قبل از ۲۰ سالگی موفق به کسب اجازه اجتهاد از استادش بیدآبادی گردید.

نیز در مباحث درس شیخ ابراهیم کلباسی شرکت کرد، تا آنکه از مدرسان فاضل اصفهان شد. سپس در سال ۱۲۵۹ق

در سال وفات سید کاظم رشتی وارد نجف اشرف شد. در آنجا نزد شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر و شیخ حسن آل کاشف الغطاء شاگردی کرد و اجازه اجتهاد دوم را از صاحب جواهر دریافت نمود و نیز عمده استفاده وی در نجف از شیخ مرتضی انصاری بود.

میرزا در مباحث فقه و اصول شیخ مرتضی انصاری تا آخر حیات ایشان شرکت نمود و از مشهورترین شاگردان شیخ مرتضی شد. شیخ انصاری در حضور دیگر شاگردانش میرزای شیرازی را مورد تعظیم قرار می‌داد و به کرات به اجتهاد وی اقرار نمود. شیخ انصاری دائماً تصریح می‌کرد که مباحث درسی‌اش برای سه نفر است: میرزا محمدحسن شیرازی، میرزا حبیب‌الله رشتی و آقا حسن تهرانی. پس از رحلت شیخ انصاری در سال ۱۲۸۱ق، مردم و شاگردان شیخ انصاری به گرد میرزای شیرازی جمع شدند و وی را به ریاست و زعامت دینی برگزیدند.^۱

شخصیت تقریب‌گرای میرزای شیرازی

میرزای شیرازی شخصیتی تیزبین، سیاسی و آشنا با امور جهان و تحولات آن بود. شواهد بسیاری در عرصه زندگی ایشان موجود است که برای مثال می‌توان به نمونه بارز آن یعنی نهضت تنباکو اشاره نمود که اگر اقدام ایشان نبود، با توجه به آثار شوم حضور بریتانیا در ایران، چه بسا ایران نیز مانند هند به مستعمره تبدیل می‌شد. میرزا در نهضت تنباکو قدرت مرجعیت شیعه را به جهان نشان داد و الگوی بسیاری از مبارزات بعدی مسلمانان قرار گرفت. از جمله قیام علما برای نجات مردم مسلمان عراق از سلطه استعمار انگلیس و جلوگیری از به روی کار آمدن حاکم انگلیسی، نهضت مشروطیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران به رهبری روحانیت و سایر نهضت‌های اسلامی در قرن اخیر که مبدأ آنها از نهضت میرزای بزرگ نشئت گرفته است. همه معاصران میرزا به این خصلت ایشان تصریح کرده‌اند. میرزا حبیب‌الله رشتی از عالمان بزرگ و معاصر میرزا، درباره میرزا گفته است: «شیخ انصاری سه چیز ممتاز داشت: علم، سیاست و زهد. سیاست را به حاج میرزا حسن شیرازی

۱. رک: طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر، ج ۱، صص ۳۳۶-۴۴۱؛ اعیان الشیعة، ج ۸، صص ۴۴۲-۴۵۲.

داد».^۲

موضوع در حضور میرزای شیرازی مطرح شد. میرزا پاسخ داد من تا زیارت مشهد و امام رضا(ع) نروم، وارد نجف نمی‌شوم. شاگردان چون می‌خواستند وظیفه خود را بدانند و تصمیم بر اقامت در نجف یا عزیمت به سامرا بگیرند، از استاد خواهش کردند تکلیف قضیه را روشن سازد. میرزا اظهار داشت در حرم مطهر امام عسکری(ع) استخاره می‌کنم، پس از استخاره، میرزا تصمیم بر ماندن در سامرا گرفت. کتابهای وی را از نجف به سامرا آوردند. اکثر شاگردانش از نجف به سوی سامرا سرازیر شدند و حوزه سامرا به برکت قدم میرزا شکل گرفت.^۳

در خصوص هدف میرزای شیرازی از هجرت به سامرا مواردی را ذکر کرده‌اند، علامه سید محسن امین که خود از شاگردان میرزا است، هدف را دوری از جو بسته نجف که به کسی اجازه تحول خواهی نمی‌داد، دانسته است، هر چند ذکر می‌کند که این مسئله علت تامه آن نیست.^۴ نیز آیت الله سید رضی شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی چهار مورد را از علل مهمی می‌داند که آن بزرگوار را وادار به هجرت از نجف به سامرا ساخت و مهم‌ترین هدف میرزا را تقرب بین شیعه و سنی ذکر می‌کند و می‌گوید: «به نظر من این مهم‌ترین هدف میرزا بود».^۵

در اینکه ایشان جزء اولین منادیان وحدت در عصر جدید بودند و این نکته برجسته‌ای در اندیشه سیاسی میرزای شیرازی به شمار می‌آید، شکی نیست، بلکه یک عمر زندگی و مشی ایشان و تربیت شاگردانی که پیشگامان نهضت تقرب مذاهب در عصر جدید بودند، بهترین دلیل بر این مدعا است.

تقرب‌گرایی مکتب سامرا

ویژگیهای شخصیتی میرزای شیرازی، محیط سنی مذهب شهر سامرا و قرار داشتن حوزه سامرا در مرکزیت قبایل اهل سنت عراق، تعامل دائم شیعه و سنی و نشست و برخاستهای برادران مسلمان در شهر سامرا و زندگی در کنار هم و گفتگوها و مباحثات طلاب شیعه و سنی، همه

مؤلف «ریحانة الادب» نوشته است: «علاوه بر مقامات عالیه علمیه و مدارج سامیه عملیه به طرق ریاست و حسن اداره نیز دانا و در اصول سیاست بینا بود»^۶ و به گفته مؤلف «اعیان الشیعة» علامه سید محسن امین: «میرزا رهبری دانشمند، فقهی کاردان، عاقل، تیزفکر، دوراندیش و نیک تدبیر بود»^۷ و به تعبیر مرحوم حرزالدین: «اندیشه‌ور بود و بر اخبار دور و نزدیک شهرها، بلکه کشورهای اسلامی و رهبران آنان آگاه بود، و از اخبار و چگونگی آنان غافل نبود».^۸ این اطلاعات توسط وکلای میرزا که از اطراف عالم اسلامی گزارش می‌دادند، تأمین می‌شد.

میرزا از سعه صدر زیادی برخوردار بود به طوری که هرگز خشمگین نمی‌شد و کسی را ناراحت نمی‌ساخت، تا آنجا که در ماجرای قتل فرزند رشیدش توسط یکی از سنیان ساکن سامرا، حفظ وحدت مسلمانان را بر خون خواهی و کینه‌جویی ترجیح داد.^۹

میرزای شیرازی در کنار آموزش و پرورش شاگردان به آداب معاشرت و برخوردهای اجتماعی آنان نیز عنایت داشت و به رعایت آداب اهتمام می‌ورزید و از دادن اجازه اجتهاد به کسانی که فاقد این روحیه بودند، خودداری می‌نمود.

هجرت میرزای شیرازی به سامرا

میرزای شیرازی پس از سفر حج در سال ۱۲۸۲ق و اقامت در نجف اشرف و سپس کربلا در نیمه شعبان سال ۱۲۹۰ق راهی کاظمین شد و از آنجا به سوی سامرا رفت و اواخر شعبان سال ۱۲۹۱ق وارد سامرا گردید. عده‌ای از شاگردان میرزا در تعجب بودند. میرزای شیرازی درباره اقامت دائم در سامرا یا بازگشت به نجف و یا کربلا سخنی به میان نمی‌آورد، بلکه کرسی درس تشکیل داد. شاگردان پس از مشورت با یکدیگر تصمیم گرفتند این مسئله را با استاد در میان بگذارند و از نجف به قصد سامرا حرکت کردند.

۲. مرگی در نور، ص ۸۴.

۳. ریحانة الادب، ج ۶، ص ۶۸.

۴. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۳.

۵. معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۴.

۶. رک: شیخ آقا بزرگ، ص ۲۸.

۷. طبقات اعلام الشیعة نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۳۹.

۸. رک: اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۵.

۹. «مصاحبه با آیت الله سید رضی شیرازی».





و همه دارای آثار نیکوی همبستگی بر شیعیان و اهل سنت سامرا است و همین دو عامل یعنی شخصیت میرزای شیرازی و تعامل شیعه و سنی با یکدیگر از حوزه سامرا مکتبی تقریب‌گرا ساخته است که شاگردانی نیز با همین خصلتها تربیت نموده است. در اینجا سعی می‌شود به برخی از این ویژگیها اشاره شود:

۱) تعامل‌گرایی و پرهیز از تفرقه‌جویی در مکتب سامرا

میرزا در مرکز قبایل اهل سنت عراق سکنی داشت، بدین جهت لازم بود که دائماً با آنان در تماس باشد و از برخوردهای احتمالی که بین شیعیان زائر و اهل تسنن به وجود می‌آمد، جلوگیری کند. در این راه چنان هوشمندانه عمل کرد که در آن مدت نه تنها تشنجی بین این دو دسته به وجود نیامد، بلکه رفتار میرزا باعث شد که اهل سنت نسبت به شیعه مهربان شوند و بسیاری از شایعات و توطئه‌های دشمنان خنثی شود که قدم بزرگی در مسیر ایجاد تقریب بین مذاهب در عراق بود.

اخلاق و منش میرزا در سامرا موجب شد که ایشان به صورت غیرمنتظره‌ای در دل اهل سنت جا پیدا کند که امروزه نیز آثار آن مشهود است. عبدالکریم بی‌آزار شیرازی که در سفر امام خمینی (ره) به سامرا در کنار امام و ملازم ایشان بوده‌اند، نقل می‌کنند که امام راحل با استقبال عجیب علمای اهل سنت سامرا مواجه شدند که ورود امام را با ورود میرزای شیرازی به سامرا مقایسه می‌کردند و مانند هم می‌دانستند که حاکی از جایگاه والای میرزای شیرازی در دل اهل سنت ساکن سامرا بود^۱ و نتیجه اخلاق شخصی میرزای شیرازی در تعامل با اهل سنت است که مناسب است به این مسئله بیشتر پرداخته شود.

تعامل میرزای شیرازی با اهل سنت

در تمام طول مدت حیات میرزا در سامرا، ایادی دولت انگلیس سعی می‌کردند که بین میرزا و سنیان درگیری ایجاد کنند و بدین وسیله اقتدار دولت عثمانی را از بین ببرند، ولی میرزا با هوشیاری، همه آنها را خنثی ساخت که چند نمونه قابل نقل است:

۱. مرحوم حرزالدین دو نمونه از ذکاوت میرزا را در از بین
۱۰. «مصاحبه با دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی».

بردن فتنه‌های سیاسی که اجانب به وجود آورده بودند، ذکر می‌کند که اولی ماجرای تنباکو و دومی در سال ۱۳۱۱ق است؛ یعنی زمانی که حسن پاشا والی دولت عثمانی به دیدار میرزا رفت، ولی میرزا طبق معمول به وی اعتنا نکرد. این کار کینه او را علیه میرزا برانگیخت و عده‌ای را علیه شیعه تحریک کرد. با این کار فتنه‌ای را دامن زد که بغداد را دربر گرفت و شکایت علما و طلاب به جایی نرسید. سفیر انگلیس به طرف‌داری سید و اطرافیان تظاهر کرد. به سامرا آمد و از میرزا اجازه ملاقات خواست، اما ایشان اجازه نداد و برای حفظ کیان اسلام و مسلمانان به وی اعتنا نکرد. سفیر انگلیس با یارانش سرشکسته بازگشتند و آن ماجرا با پیروزی سید پایان یافت و امنیت به سامرا بازگشت.^{۱۱}

۲. محمدرضا حکیمی در کتاب «شیخ آقا بزرگ» از قول شخصی به نام عبدالرحیم محمدعلی نقل می‌کند: «یکی از مردم سامرا که به دلیلی عاطفی نسبت به میرزای شیرازی کینه می‌ورزید، پسر بزرگ میرزا (میرزا محمد شیرازی) را مضروب ساخت و میرزا محمد به علت این ضربه درگذشت. میرزای شیرازی در این واقعه لام تا کام نگفت و کمترین واکنشی نشان نداد. دشمنان آن روز اسلام واقعه را مورد توجه قرار دادند و خواستند برای ایجاد فتنه‌ای در دنیای اسلام از آن بهره بگیرند و به این منظور عده‌ای به سامرا آمدند و به خدمت میرزا رسیدند و از وی درخواست کردند تا در مورد کشته شدن فرزندش و کار ناشایستی که به خصوص با توجه به مقام میرزا واقع شده است، اقدام کند و دستوراتی بدهد. میرزای بزرگ به شدت آنان را از خود راند و فرمود: می‌خواهم خوب بفهمید! شما حق ندارید در هیچ‌یک از امور مربوط به ما مسلمانان و سرزمینهای ما مداخله کنید. این یک قضیه ساده است که میان دو برادر اتفاق افتاده است. آن عده با سرشکستگی از حضور میرزا مرخص شدند. این جریان در آن ایام، در استانبول، به باب عالی رسید. خلیفه عثمانی از این موضع‌گیری هوشمندانه مرجع شیعه شادمان شد و به والی بغداد دستور داد که خود به حضور میرزا برسد و از وی تشکر کند و از وقوع حادثه اعتذار جوید و ابراز تأسف نماید...»^{۱۲}

۱۱. معارف الرجال، ج ۲، ص ۲۳۵.

۱۲. شیخ آقا بزرگ، ص ۲۹.



۳. یک شب زمانی که میرزای شیرازی به منزل باز می‌گشت، شخصی سنگی به طرف ایشان پرتاب کرد. دشمنان شایعه کردند که این سنگ از طرف اهل سنت بوده است. کنسول انگلیس به سامرا رفت، اما میرزا اجازه ملاقات نداد. کنسول گفت من برای تنبیه اهل سنت به خاطر این جسارت نزد شما آمده‌ام. میرزای شیرازی پاسخ داد: من گمان نمی‌کنم که این کار از روی قصد و عمد بود و هم گمان نمی‌کنم از جانب اهل سنت بوده است. کنسول بدون اینکه به مقصود خود که همان اختلاف بین شیعه و سنی بود، نایل شود بازگشت. زمانی که اهل سنت این بلند نظری را از میرزا دیدند نزد او آمدند و عذر خواهی کردند.^{۱۳}

۲) توجه به سیاست و امور اجتماعی

حوزه علمیه نجف با تمام توان و تاریخ علمی که داشت در زمان میرزا حوزه‌ای ناآشنا با تحولات اجتماعی و جهان معاصر و شیوه‌ها و دانش‌های نوین بود و چه بسا ورود به این مسائل را آلوده کردن روحانیت به سیاست می‌دانست و به پدیده‌های نوظهور به چشم بدعت می‌نگریست و با آن مبارزه می‌نمود.

حوزه نجف با چنین اندیشه‌هایی دست به گریبان بود و سید محسن امین به خوبی جوی را که حتی مانع تحول خواهی میرزا می‌شد، نمایش می‌دهد و یکی از عوامل مؤثر در هجرت میرزا به سامرا را همین می‌داند که چون میرزا در حوزه نجف نمی‌توانست طرح خود را پی بگیرد، حوزه سامرا را احیا نمود و تحولی عظیم ایجاد کرد. ایشان می‌نویسد: «دقیق‌ترین چیزی که به ذهن می‌آید آن است که سبب هجرت میرزا، قصد دوری گزیدن از دیگران بود؛ زیرا سامرا از مراکز علم و مدعیان دانش به دور بود و میرزا می‌توانست در آنجا به خواسته‌هایش جامه عمل ببوشاند و مصاحبت با خواص دردآور و رنج‌آفرین است و دوری از آنان سبب راحتی و تشکل است. امیرمؤمنان در نامه‌اش به مالک اشتر فرموده است: «بالاترین زحمت برای حاکم از جانب خواص پیش می‌آید» و حوادث نجف و اختلاف دو گروه و یا مزاحمت بزرگان از مقومات هجرت میرزا بود نه علت اصلی».^{۱۵} اندیشه‌های سیاسی مکتب سامرا موجی جدید در حوزه نجف و بعدها در حوزه قم پدید آورد. طلاب جوان و آشنای با افکار میرزا و اندیشه‌های نو از مکتب سامرا سر برآوردند. حوزه را با دانش‌های نو پیدا آشنا کردند و تحولات جهانی را به حوزویان نشان دادند و پیشگام انقلابها و ترقی خواهیها گشتند. از جمله باید از پیشگامان نهضت مشروطه ایران، آخوند خراسانی و میرزای نائینی نام برد و نیز سایر بزرگانی چون سید هبه‌الدین شهرستانی، علامه شرف‌الدین، علامه کاشف الغطاء، سید محمدتقی شیرازی، شهید شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله کاشانی، سید

۴. آیت الله سید رضی شیرازی از نوادگان میرزای شیرازی می‌گوید: «وقتی میرزا مدرسه علمیه‌ای را می‌سازد، اهل تسنن هم به فکر ساختن مدرسه برای طلاب می‌افتند و میرزا به آنها کمک می‌کند که مدرسه‌شان را بسازند».

۵. نیز ایشان ماجرای دیگری را نقل می‌کند: «یک بار در سامرا بین یک طلبه شیعه و یک طلبه سنی زد و خوردی پیش می‌آید. در چنین مواقعی معمولاً ایادی نفاق از موقعیت سوء استفاده می‌کنند، بنابراین عده‌ای را تحریک کردند که منزل میرزا را سنگباران کنند. این مسئله خیلی برای میرزا گران تمام شد. شیوخ فرات که اغلب شیعه هستند، برای میرزا پیغام فرستادند که شما هر امری بفرمایید، ما اطاعت می‌کنیم. کاردار سفارت‌های انگلیس و روس هم اجازه ملاقات خواستند، اما میرزا اجازه نداد، اما والی عثمانی را به حضور پذیرفت. والی پرسید: درباره متجاسرین به بیت خود چه دستوری می‌دهید؟ میرزا جواب داد: «اینها فرزندان ما هستند، خودمان آنها را آشتی می‌دهیم». عمویم می‌گفت پیرمردهای سامرا می‌گفتند ما آزاد شده میرزا هستیم، چون او می‌توانست ما را مجازات کند، اما با مهربانی و رأفت با ما رفتار کرد».^{۱۴}

این چند مورد از موضع‌گیریهای هوشمندانه و سعه صدر میرزا در سامرا بود که توسط بسیاری از شاگردان ایشان نیز در همه بلاد مورد تبعیت قرار گرفت و هریک در موارد گوناگون مانع ایجاد دشمنی و درگیری بین برادران مسلمان

۱۳. آشنایی با مذاهب فقهی اسلامی، ص ۱۹۲.

۱۴. گفتگو با آیت الله سید رضی شیرازی.

۱۵. اعیان الشیعة، ج ۸، ص ۴۴۳.



حسن مدرس و صدها روحانی پرتحرک و بیدار که پرورش یافتگان مکتب سامرا و در عصر جدید از پیشاهنگان نهضت تقریب هستند که برای اثبات کافی است به فهرست مقالات مجله «رسالة الاسلام» دارالتقریب نگاهی انداخت و نام این بزرگان و نظرات اصلاحی و تقریبی آنان را مشاهده نمود.^{۱۶}

در مدرسه میرزا، حوزه در انحصار مسجد و مدرسه نبود، بلکه مدیر دنیا و آخرت بوده است و تحصیل کردگان آن مکتب، مدیران امور اجتماعی و گره‌گشای کار مردم و نگهبانان جامعه از آفات و هجوم و آگاه به امور جامعه بوده‌اند. در این راستا در مکتب سامرا علاوه بر تدریس دروس معمول، معضلات فقهی و فروع سیاسی اسلام نیز تدریس می‌شد. در کنار احکام نماز و روزه، عهدنامه مالک اشتر؛ یعنی خط مشی حکومت اسلامی نیز مطالعه می‌شد. میرزای نائینی می‌نویسد: «مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی سیدنا الاستاذ العلامة آقای میرزا شیرازی قدس سره غالباً به مطالعه این فرمان مبارکه عهدنامه مالک و سرمشق گرفتن از آن مواظبت می‌نمود»^{۱۷} که نشانه توجه عمیق میرزا به سیاست و ابعاد مختلف آن است.

در امور اجتماعی و کمک به درماندگان و امور عام المنفعه نیز شخص میرزا اسوه بود. ایشان در معاشرت و همراهی با مردم ضرب‌المثل بود و به کسانی که توانایی برخورد صحیح با مردم نداشتند و از اخلاق حسنه محروم بودند، اجازه اجتهاد نمی‌داد. در واقع آنان را از برخورد با مردم و به عهده گرفتن مسائل اجتماعی بازمی‌داشت. این اخلاق‌مداری و آداب‌دانی و کمک به فقرا و درماندگان موجب احترام و خوش‌بینی پیروان مذاهب را به ایشان و شاگردان ایشان فراهم آورد، به نحوی که گفته شد پس از گذشت بیش از یک و نیم قرن هنوز در خاطره اهالی سامرا زنده است.

۳) اصول گرایبی

میرزای شیرازی هرچند در اصول فقه شاگرد شیخ انصاری است، اما برخلاف آخوند خراسانی، زمانی به درس شیخ انصاری راه می‌یابد که شخصیت علمی‌اش در اصفهان شکل

گرفته و از کسانی چون مدرس بیدآبادی و صاحب جواهر اجازه اجتهاد دارد. در حقیقت میرزای شیرازی در اصول فقه تابع علامه مجدد وحید بهبهانی است که در مقابل اخباریگری به مبارزه پرداخت، هرچند که شیخ انصاری نیز در این مسیر قرار داشت و مقابل وحید بهبهانی نبود، اما بین روش اصولی وحید بهبهانی و شیخ انصاری تفاوت‌هایی ملاحظه می‌گردد و در برخورد با مسائل به دو گونه عمل می‌شود.

روش شیخ انصاری توسط آخوند خراسانی به نجف منتقل شد و روش وحید بهبهانی توسط میرزا به سامرا و سپس توسط شیخ عبدالکریم حائری به قم رفت و ایشان هرچند کتابش را با نظر به «کفایه» نوشته، ولی در اصول بیشتر گرایشش به عرفیات است که از ویژگیهای مکتب سامرا است.

از تفاوت‌های دیگر این دو روش اصولی آن است که در روش شیخ انصاری، در استنباط فقهی، اول براساس اقتضائات اصل و قواعد عقلی عمل می‌شود، اما متأثران مکتب وحید بهبهانی همچون میرزای شیرازی و شیخ عبدالکریم حائری، اول به سراغ نصوص و متون می‌روند.^{۱۸}

مبارزه با اخباریگری، بیان ساده، گرایش به عرفیات و مقدم داشتن نصوص بر اقتضائات اصل و قواعد عقلی روشی است که فقه سامرا را فقهی تقریب‌گرا ساخته است که توان تعامل و گفتگوی با اهل سنت را در مقایسه با حوزه نجف که دارای بیانی سخت و پیچیده و مخلوط با اصطلاحات منطقی و فلسفی است، بیشتر دارا است.

۴) سادگی بیان

اولین نکته‌ای که در مورد ویژگی فقه مکتب سامرا گفته می‌شود، بیان و قلم ساده و شیوای پیروان این مکتب در مقابل سخت و مغلق نویسی اصحاب مکتب نجف است. باید این شیوه بیان را حاصل محیط سامرا دانست که برخلاف نجف اشرف که مرکز علمی و تخصصی فقه و اصول شیعه بود، سامرا چنین نبود. نیز از مواردی که تأثیر بسزایی در این سادگی و روانی کلام داشت، تعامل دائم طلاب و علمای شیعه با اهل سنت بود که خود به خود آنان را از گرفتار شدن در مصطلحات پیچیده علمای شیعه

۱۶. رک: پیشینه تقریب.

۱۷. تنبیه الامة و تنزیه الامة، ص ۱۲۶.

۱۸. رک: «مصاحبه با آیت الله میر محمد یثربی».



می‌رهند، تا طرفین مباحثه کلام یکدیگر را بهتر دریابند. این شیوه یعنی مباحثه بین طلاب شیعه و سنی همواره از تأسیس حوزه علمیه سامرا تاکنون ادامه دارد، چنانچه

عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در مصاحبه‌ای که با نگارنده مقاله داشتند، از خاطرات دوران طلبگی در نجف سخن گفتند و اینکه در ماه رمضان طلاب شیعه به سامرا مسافرت می‌کردند و در آنجا دائماً به مباحثه با طلاب اهل سنت مشغول بودند. این گفتگوی دو جانبه و نشست و برخاستها، آثار و برکات زیادی در ایجاد تقریب بین مذاهب اسلامی و شناخت متقابل و از بین بردن سوءظن‌ها داشته است.

۵) موسوعه نگاری

از ویژگیهای حوزه علمیه سامرا و تربیت‌یافتگان آن - که می‌توان این مورد را هم از تأثیرات تعامل با اهل سنت دانست - توجه و اهتمام به موسوعه نگاری و تألیف آثار گران قدری است که در جهت نشان دادن خدمت شیعه و علمای آن به اسلام صورت گرفته است. این گنجینه آثار شیعه، پاسخ شبهات کسانی را از اهل سنت و مستشرقان به خوبی می‌داد که شیعه را فاقد ریشه و فرهنگی استوار می‌دانستند.

یکی از مواردی که موجب همبستگی مسلمانان می‌شود، شناخت آثار و خدمات پیروان مذاهب در حوزه فرهنگ و دانش است که هریک از پیروان مذاهب، مذهب دیگر را بر آب و خود را محق مطلق نبیند، بلکه سعی در استفاده از همه دانشها بنماید.^{۱۹}

درباره نقش بزرگ و کارساز حوزه سامرا در مورد این تألیفات نوشته‌اند: «اگر بگوییم بعد از غیبت کبری، یعنی دوران مرحوم شیخ صدوق و طوسی و مفید، این دوران، مهم‌ترین نقش را در معرفی تشیع و مکتب اهل بیت داشته است، گزاف نگفته‌ایم. نویسندگان و خطیبانی همچون:

مرحوم سید حسن صدر، سید محسن امین شرف‌الدین عاملی، کاشف الغطاء، محمدجواد بلاغی، شیخ محسن شراره، آقا بزرگ تهرانی، علامه امینی، محمدرضا مظفر، کاشانی و ... از فارغ التحصیلان مکتب سامرا بودند که توانستند جلوی تهاجمات فرهنگی دشمن را سد کنند و

۲۰. سیمای سامرا سینیای سه موسی، ص ۱۸۹.

۲۱. شیخ آقا بزرگ، صص ۲۱-۲۵.

۲۲. رک: همان، ص ۲۱.

۲۳. رک: همان، ص ۲۶۹؛ ریاحین الشریعة.

۱۹. رک: «آسیب شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی».



شاگردان را با توانایی شعر و آشنایی با ادبیات تربیت ساخت و بسیاری از شاعران عرب و عجم را در سامرا گرد آورد و به این نحو توانست برادران شیعه و سنی را در یک محفل بدون تشنج و درگیری گرد هم آورد و برادرانه موجبات استفاده اهل سنت را در حوزه ادبیات از مدرسه سامرا فراهم آورد.

علامه سید محسن امین می نویسد: «میرزا در جهت هنر شعر نیز صاحب نظر بود، شعر می گفت و شاعران را دوست می داشت.»^{۲۴} به شاعران متعدد اهمیت می داد، از این رو، شاعران از هر سو آهنگ سامرا کردند و بازار ادب و شعر در عصر وی رواج یافت و قصاید بلند ادبی سروده شد. آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «میرزا، شعر را دوست داشت و بر آن جایزه می داد، از این رو شعرای عرب و عجم، از هر سو، آهنگش کردند و بازار ادب در عصر وی رواج پیدا کرد و میرزا به اکرام شاعران شهرت یافت.»^{۲۵} شاعران بسیاری در سامرا جمع شدند که مورخ سامرا مرحوم محلاتی یک جلد از کتابش را به آنها اختصاص داده است که ظاهراً چاپ نشده است، ولی در جلد سوم کتابش به آن اشاره می نماید.^{۲۶}

۷) روش تدریس میرزا در سامرا

میرزای شیرازی در تدریس روشی خاص داشت که در پرورش روحیه تقریبی شاگردان این مکتب بی تأثیر نبوده است. از ویژگیهای حوزه ایشان حاکم بودن نظم و آرامش تحصیلی است، در حوزه سامرا هیچ کس مانع آرامش و آسایش دیگری نبود و محیطی آرام و بدون تشنج بود که کسی نسبت به دیگری بی ادبی و تعدی نمی کرد. میرزا توجه خاصی به پرورش روحیه آزاد اندیشی طلاب و پرورش استعداد آنان داشت. ایشان ابتدای درس مسئله را مطرح می نمود و همه نظرات را می شنوید و این گونه سعه صدر و قدرت تحمل نظرات مخالف را به شاگردان می آموخت و روحیه انصاف در بحث و قدرت استنباط و اجتهاد را در شاگردان تقویت می نمود. از دیگر روشهای مکتب سامرا پرهیز از تطویلهای بی ثمر است و نیز در این حوزه

همه علوم اسلامی از تفسیر، حدیث، تاریخ و علوم عقلی تدریس می شد و صرفاً به فقه و اصول اکتفا نمی شد.^{۲۷} مؤلف *اعیان الشیعه* می نویسد: اگر کسی در مجلسی از ایشان سؤال می پرسید، ایشان رو به سوی دیگران می نمود و نظر آنها را جویا می شد، آراء را می شنوید و سپس پاسخ می گفت.^{۲۸} نیز توجه به سیاست و فقه سیاسی از خصایص مکتب سامرا است.

پرورش یافتگان مکتب سامرا

شیخ آقا بزرگ تهرانی نام ۳۷۲ تن از شاگردان میرزای شیرازی به همراه گوشه‌ای از شرح حالشان را ذکر کرده است که بسیاری از این شاگردان دارای موقعیت عالی علمی و برخی از مراجع بزرگ و نام‌آور بوده‌اند.^{۲۹} میرزای شیرازی با طریقی که در سامرا ریخت، شاگردانی پرورد که هریک به سهم خود تحولی ایجاد نمودند و نقطه عطفی در حوزه‌های علمیه تشیع و حتی تسنن به وجود آوردند و در عصر جدید بسیاری از پیشگامان جنبش اصلاحی تقریب مذاهب از میان همین بزرگانند. تقریب‌گرایی و توجه به مصالح مسلمانان همان گونه که در روش میرزای شیرازی مشهود است، در روش شاگردان ایشان نیز نمایان می باشد که در هنگام وقوع فتنه بین شیعه و سنی آن را خاموش کرده و مانع از نفوذ دشمنان شده‌اند. در اینجا پرداختن به تک تک آنان میسر نیست و تنها به ذکر نام مشاهیر آنان و برخی از وقایع به عنوان نمونه بسنده می شود:

آخوند خراسانی طلایه‌دار نهضت مشروطه ایران و بیداری است، میرزای نائینی با تألیف کتاب «تنبیه الامه و تنزیه الملة» به بیان تئوری خود در مورد دولت مشروطه و وحدت اسلامی می پردازد.^{۳۰} ملا عبدالله مازندرانی از حامیان دارالتقریب مصر بود، آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی نیز در حمایت از اهل سنت در مقابل استعمار کوتاهی

۲۷. همان، ص ۱۸۸.

۲۸. *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۴۴۸.

۲۹. *طبقات اعلام الشیعه تقیاء البشر*، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳۰. رک: «اندیشه اتحاد در رساله تنبیه الامه و تنزیه الملة میرزای نائینی».

۲۴. *اعیان الشیعه*، ج ۸، ص ۴۴۳.

۲۵. *طبقات اعلام الشیعه تقیاء البشر*، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲۶. *سیمی سامرا سینیای سه موسی*، ص ۱۹۴.

نکرد، علامه سید محسن امین عاملی از طلایه‌داران تقریب است^{۳۱} و سایر شاگردان این مکتب نیز از نقش خود غافل نبوده‌اند از جمله: آیت الله محمدتقی شیرازی، آقا بزرگ تهرانی، شیخ فضل الله نوری، آیت الله سید حسن مدرس، سید عبدالحسین لاری و ...

در قضیه هجوم دشمنان اسلام به لیبی، همه علمای شیعه هم‌داستان شده و علیه دولتهای اجنبی حکم جهاد دادند و همه مسلمانان و شیعیان را برای نجات و تمسک به برادران سنی خویش بسیج کردند. فتوای آیت الله سید محمدکاظم یزدی به این شرح است: «در این هنگام که دول اروپایی مانند ایتالیا به طرابلس غرب (لیبی) حمله نموده و از طرفی روسها شمال ایران را با قوای خود اشغال کرده‌اند و انگلیسیها نیز نیروهای خود را در جنوب ایران پیاده کرده‌اند و اسلام را در معرض خطر نابودی قرار داده‌اند. بر عموم مسلمین از عرب و ایرانی واجب است که خود را برای عقب راندن کفار از ممالک اسلامی مهیا سازند و از بذل جان و مال در راه بیرون راندن نیروهای ایتالیا از طرابلس غرب و اخراج قوای روس و انگلیس از ایران هیچ فروگذار نکنند. این عمل از مهم‌ترین فرایض اسلامی است. تا به یاری خداوند دو مملکت اسلامی از تهاجم صلیبها محفوظ بماند». نظیر این فتوا از علمای دیگری از جمله آخوند خراسانی نیز صادر شد.^{۳۲} آیت الله سید محمدتقی شیرازی معروف به میرزای دوم شیرازی از شاگردان این مکتب نیز بسیار سیاست بود و به وحدت مسلمانان توجه داشت و مواضع رخنه دشمن را مسدود می‌کرد، از جمله: «ویلسون وکیل مختار بریتانیا در سال ۱۹۱۹ م برای دیدار آیت الله محمدتقی شیرازی به کربلا رفت. به خوبی به زبان فارسی سخن می‌گفت و در صدد رشوه دادن برآمد. از آیت الله تقاضا کرد که شخصی را به جای کلیددار و متولی سامرا که سنی است، از بین شیعیان انتخاب کند، ولی آیت الله شیرازی بدون درنگ به او پاسخ داد: کلیددار سامرا شخص بسیار خوبی است و من موافق عزل او نیستم».^{۳۳}

در ایران نیز عالمانی که بینش مکتب سامرا را داشته‌اند،

همواره به اتحاد مسلمانان پایبند بوده‌اند. برخی همانند سید عبدالحسین لاری خواستار همکاری فرهنگی و تبادل کتب بین مسلمانان شد و از بین بردن کتب اهل سنت و یا شیعه را برخلاف عقل و سنت می‌دانست. در بلاد عربی کتب شیعه را مصادره و از بین می‌بردند و قهراً این کار نیز در ایران و مناطق شیعه‌نشین از جانب شیعیان متعصب انجام می‌گرفت که مرحوم لاری این کار را نکوهش کرد.^{۳۴}

مهم اینکه دانش‌آموختگان این حوزه اکثراً در جبهه جنگ استقلال عراق شرکت جستند و بسیاری از آنان به شهادت رسیدند. افزون بر این، علمای حوزه نسبت به استعمار هوشیار شده و به موقع در مقابل آن عکس‌العمل نشان دادند. برای مثال در قضیه اشغال لیبی و نیز در قضیه هجوم انگلیس به عراق، حوزه نجف به کانون مقاومت تبدیل شد و از آنجا انقلاب عراق هدایت می‌شد. علمای بزرگ که در مکتب سامرا پرورش یافته بودند، به میدان شتافتند و در این راه صدمات بسیاری را متحمل شدند.

میرزای نائینی، سید محمدتقی شیرازی، شیخ الشریعه و سایر علما جبهه جنگ را رهبری کرده و در آن شرکت جستند. پس از شروع جنگ جهانی اول و اشغال عراق به دست نیروهای انگلیسی، علمای شیعه وارد صحنه شدند و علیه آنان حکم جهاد دادند و نقشه انگلیس را در جهت نشاندن یک حاکم انگلیسی در عراق، پس از فروپاشی عثمانی از بین بردند و انتخاب فردی کافر برای حکومت مسلمانان را حرام دانستند.^{۳۵}

تأثیر اندیشه‌های مکتب سامرا در اندیشه علمای ایران بسیار روشن است. دست‌پروردگان وی مقدمات مشروطیت را فراهم ساختند و ملت ایران را در مقابل استبداد قاجار و سلطه‌طلبی انگلیس و روسیه به مقاومت واداشتند.

در عرصه توجه به علوم و روشهای جدید و اشاعه فرهنگ تقریب نیز شاگردان مکتب سامرا پیشگام هستند که در این بین سید هبه‌الدین شهرستانی بارز است و از پیشگامان بیداری مسلمانان و تقریب محسوب می‌شود. شیخ آقا بزرگ تهرانی چهره ایشان را این‌گونه تصویر می‌کند: «در سال ۱۳۱۹ به نجف مهاجرت کرد و در بیداری بین جوانان

۳۱. رک: «علامه سید محسن امین طلایه‌دار تقریب».

۳۲. نهضت روحانیون ایران، ج ۱، ص ۲۰۹.

۳۳. لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، ج ۵، ص ۶۵.

۳۴. سیری در افکار و مبارزات سید عبدالحسین لاری، ص ۱۳۱.

۳۵. تشیع و مشروطیت، صص ۱۷۵-۱۷۸.





اصولی به دور از پیچیدگی و گرایش به عرفیات و نصوص در اصول فقه، بیان ساده در تدریس و تألیف، توجه به موسوعه نگاری، توجه به شعر و ادبیات و فراهم آوردن محیطی آرام و بدون تشنج برای طلاب همراه با پرورش قوه استنباط و استدلال و دارای سعه صدر و قدرت تحمل نظر مخالف، گوشه‌ای از ویژگیهای بارز این مکتب است که می‌تواند سرمشق نهادهای تقریبی در جهان امروز و از جمله دانشگاه مذاهب اسلامی قرار بگیرد.

نجف ممتاز بود. در بیداری امت اسلامی آرزوهای بلند داشت و اندک اندک به سوی برانگیختن افکار و توجیه جوانان حوزوی گام برداشت ... و در آن روز وی تلاش کرد که نجف را با دنیای خارج پیوند زند و در سال ۱۳۲۸ اولین مجله عربی را در عراق به نام «العلم» منتشر ساخت ... تفکر مرحوم هبه‌الدین برخاسته از اندیشه‌های مکتب سامرا است^{۳۶} و نیز مقاله تحقیقی ایشان در شماره سوم مجله «رسالة الاسلام» با نام «رمضان رمز تقریب القلوب و تألیف الشعوب» به خوبی معرف شخصیت تقریب‌گرا و تلاش رسانه‌ای ایشان برای گسترش فرهنگ تقریب است.^{۳۷} این طرز تفکر به تدریج در بسیاری از علمای نجف اثر گذاشت و آنان را متحول ساخت و تحولات بسیاری را در سطح اجتماع و حوزه علمیه باعث شد. در یک کلام شاگردان مکتب سامرا در قرن اخیر طلایه‌داران بیداری، مبارزه و قیام، تحول و پیشرفت و جنبش اصلاحی تقریب مذاهب بوده‌اند.

نتیجه‌گیری

میرزای بزرگ شیرازی با هوش سرشار و آگاهی دینی و سیاسی عظیم و سعه صدری که داشت توانست با هجرت از حوزه سنتی نجف به سامرا، حوزه و مکتبی را تأسیس نماید که الگوی برجسته‌ای از یک محیط آموزشی و پرورشی با گرایش به ایجاد همبستگی و تقریب بین پیروان مذاهب است. محیط سنی مذهب شهر سامرا و تعامل دائم طلاب شیعه و سنی در این شهر عامل مهم دیگری در کنار تلاشهای شخصی میرزای بزرگ شیرازی است که مکتبی را به وجود آورد که شاگردان آن گردانندگان اصلی حرکات ضد استعمار و استبداد و وحدت‌خواهی در قرن اخیر بوده‌اند.

در زمینه فقه نیز مکتب سامرا مدلی ارائه نموده است که بیشترین ظرفیت را در جهت ایجاد تقریب بین مذاهب اسلامی دارد. توجه به فقه سیاسی اسلام و اهتمام به امور همه مسلمانان جهان و امور اجتماعی آنان، توجه و گرایش به مکتب اصولی و مبارزه با اخباریگری، انتخاب روش

۳۶. طبقات اعلام الشيعة نقباء البشر، ج ۴، ص ۱۴۱۴.

۳۷. مجلة رسالة الاسلام، سال اول، شماره ۳، ۱۹۴۹م.

کتابنامه

۱. آذر شب، محمدعلی، پیشینه تقریب، ترجمه رضا حمیدی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲. آیت‌اللهی، سید محمدتقی، سیری در افکار و مبارزات سید عبدالحسین لاری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
۳. الوردی، علی حسین، لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، تهران، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۸ ش.
۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ ق.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، آشنایی با مذاهب فقهی اسلامی، تهران، انتشارات شورای برنامه‌ریزی علوم دینی اهل سنت، ۱۳۹۱ ش.
۶. همو، «علامه سید محسن امین طلایه‌دار تقریب»، مجله فروغ وحدت، شماره ۱۲، ۱۳۸۲ ش.
۷. حائری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت، تحقیق: سید حسن امین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
۸. حرزالدین، شیخ محمدحسن، معارف الرجال فی تراجم العلماء و الادیاء، قم، مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۹. حکیمی، محمدرضا، شیخ آقا بزرگ، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. دارابی، بهنام، «آسیب‌شناسی راهکارهای تقریب مذاهب و وحدت اسلامی»، مجله فروغ وحدت، شماره ۲۵، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. همو، «اندیشه اتحاد در رساله تنبیه الامه و تنزیه الملة میرزای نائینی»، مجله اندیشه تقریب، شماره ۲۹، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. همو، «مصاحبه با دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی»، فروردین ۱۳۹۲ ش.
۱۳. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، ۱۳۶۰ ش.
۱۴. صحتی سردرودی، محمد، سیمای سامرا سینیای سه موسی، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. طهرانی، شیخ آقا بزرگ، طبقات اعلام الشیعه نقباء البشر، مشهد، دارالمرتضی، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. همو، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۱۷. غروی نائینی، میرزا محمدحسین، تنبیه الامه و تنزیه الملة، به کوشش محمودزاده حسینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. کفائی، عبدالحسین مجید، مرگی در نور: زندگی آخوند خراسانی، تهران، کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۵۹ ش.
۱۹. محلاتی، شیخ ذبیح‌الله، ریاحین الشریعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
۲۰. مجله رساله الاسلام، قاهره، دارالتقریب، سال اول، شماره ۳، ۱۹۴۹ م.
۲۱. مدرس، فرید، «مصاحبه با آیت‌الله میرمحمد یثربی»، خبر آنلاین، ۱۹ مرداد ۱۳۹۰ ش.
۲۲. همو، «گفتگو با آیت‌الله سید رضی شیرازی»، خبر آنلاین، ۲۴/۲/۱۳۹۰ ش.
۲۳. مدرس، محمدعلی، ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، تهران، خیام، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. «مصاحبه با آیت‌الله سید رضی شیرازی»، مجله حوزه، شماره ۵۱۵۰.

